

## تحلیل مصادیق سیاست‌های کلی دینی (نظریه مقاصد الشریعه)

### با تأکید بر گفتمان رضوی و منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۵

علی محمدیان<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۱

بتول سلحشور<sup>۲</sup>

#### چکیده

نقش آموزه‌های دینی در پاسخگویی به نیازهای آدمی بر کسی پوشیده نیست؛ چه اینکه خداوند متعال به عنوان خالق انسان، بهتر از هر موجودی به ساختار جسم و جان مخلوق خویش آگاهی دارد؛ بنا بر این، شناخت سیاست‌های کلی شریعت یا همان اهداف و اولویت‌های دینی موجب خواهد شد تا با برنامه‌ریزی هرچه دقیق‌تر، جامعه اسلامی به سوی سعادت و رستگاری رهنمون شود. نظریه مقاصد شریعت از برجسته‌ترین نظریات ارائه شده در این زمینه است که با پیش کشیدن سیاست‌های اساسی شریعت می‌کوشد اولویت‌های دینی را فراروی اندیشوران قرار دهد. ناگفته پیداست احاطه به مقاصد شرع به مدیران جامعه کمک می‌کند تا در تعیین راهبردهای جامعه مصالح و اهداف کلی را مدنظر قرار دهند. جستار حاضر در پژوهشی توصیفی-تحلیلی درصدد بازخوانی اولویت‌های دین در میراث مکتوب به جا مانده از حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و همچنین در منظومه فکری مقام معظم رهبری برآمده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد برای هریک از مقاصد و اولویت‌های دینی تعریف شده، شواهد گوناگونی از سیره رضوی قابل ارائه و استخراج بوده و مقام معظم رهبری نیز در مواضع گوناگون، به مقاصد مهم دین عنایت و تأکید داشته‌اند که ذیل چند محور اساسی استخراج شده و قابل شناسایی است.

**کلید واژه‌ها:** سیاست‌های کلی شریعت، اولویت‌های دینی، مقاصد شریعت، امام رضا (علیه

السلام)، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه بزرگمهر فائانات (نویسنده مسئول):

mohammadian@buqaen.ac.ir

۲. دانشجوی دکترای الهیات دانشگاه فردوسی مشهد: batoul.salahshour@mail.um.ac.ir

## مقدمه و بیان مسئله

از دیرباز و از آن هنگام که بشر زندگی خود را در زمین آغاز کرد و زندگی اجتماعی شکل گرفت، همواره انسان‌ها در پی تأمین نیازهای خویش و یافتن بهترین شیوه برای همزیستی مسالمت‌آمیز بوده‌اند. در این میان خداوند خالق بشر با ارسال پیامبران مختلف و تشریح قوانین متناسب با ابعاد گوناگون انسان، همواره هدایت بشر را مدنظر قرار داده است. در این میان شریعت مبین اسلام و آموزه‌های مترقی آن به منزله آخرین و کامل‌ترین شریعت آسمانی، از جایگاه و منزلت ویژه‌ای برخوردارند؛ زیرا با عنایت به اینکه در روزگار کنونی مکاتب مختلف بشری، هرکدام داعیه رهبری آدمیان را دارند، پر واضح است که اگر مکتبی نتواند به سؤالات و نیازهای گوناگون فکری و روحی و جسمی انسان‌ها پاسخی در خور دهد، امید چندانی برای بقا نخواهد داشت؛ بنا بر این، سعی هر مکتب و گفتمانی بر این است که به نحو احسن، به نیازهای انسان معاصر پاسخی جامع و کامل دهد؛ لکن از آنجا که پاسخ مناسب، منوط به معرفت صحیح و استوار آدمی و نیازهای اوست و این شناخت از عهده و توان مکاتبی که زاییده خرد بشری است با توجه به نقص دانش بشری خارج می‌باشد، در اغلب موارد راهکارهای ارائه شده، به شکست منجر می‌شود و مکاتب جدید، با ادعاهای نو سر برمی‌آورند؛ تا چه وقت، به افول گراییده و از بین بروند؛ بنا بر این، نقش و جایگاه دین در پاسخگویی به نیازهای انسان، بسی شایان اهمیت است؛ زیرا انسان مخلوق پروردگار است و خداوند متعال بهتر از هر موجودی به ساختار جسم و جان مخلوق خویش آگاهی داشته و بر نیازهای او کاملاً واقف است و بالطبع راه درست پاسخگویی به این نیازها نیز در علم بی‌انتهای وی قرار دارد.

از سوی دیگر بدون تردید مهمترین منبع برای تشریح و توضیح اولویتهای دینی و مقاصد اصلی شریعت، پس از قرآن مجید، روایات و اخبار وارده از اهل بیت (علیهم‌السلام) است که مفسران اصلی کتاب خداوند می‌باشند. در این میان حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) از جایگاه و موقعیت ممتازی برخوردارند؛ چه اینکه بخش قابل توجهی از کتب روایی شیعه به نقل روایات حضرت، اختصاص دارد. همچنین اهمیت مقاصد مهمی که تحت عنوان مقاصد شریعت از آنها یاد می‌شود به اندازه‌ای است که توجه به آنها در تمامی اعصار و زمان‌ها امری ضروری

است. رهبر معظم انقلاب نیز به عنوان رهبر جامعه اسلامی و پرچمدار گفتمان اسلام ناب همواره این اهداف کلیدی را مدنظر داشته و در حوزه‌های متعدد به جلوه‌های این اهداف اشاره و تأکید داشته‌اند.

با عنایت به نکات فوق، از یک‌سو تبیین آرای امام معصوم (علیه السلام) و تحلیل سیره ایشان در باب اولویت‌ها و سیاست‌های کلی دینی که توانسته است تهدید و دسیسه مأمون را به فرصت تبدیل کرده و از فرصت ولیعهدی جهت اعتلای اسلام و گسترش فرهنگ ناب شیعی نهایت استفاده را بنماید و آثار و پیامدهای درخشان برجاگذارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ و از دیگر سوی با التفات به این نکته که مقام معظم رهبری به مثابه پیشوای حکیم و ولی امر فرزانه جامعه، با تأسی به سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) پیاده‌سازی راهبردهای دینی را در جامعه دنبال می‌کنند و نیز فراست و بصیرت منحصر به فرد ایشان در امر تدبیر جامعه و آگاهی دقیق از مقتضیات زمان و مسائل سیاسی روز، تبیین رویکرد و مواضع و بیانات ایشان در باب سیاست‌های مهم دینی می‌تواند در خور توجه و بسان الگویی ممتاز برای مدیران و مسئولان جامعه در پیشبرد راهبردهای کلان حکومت اسلامی باشد.

ناگفته پیداست در عصر حاضر تمدن اسلام به عنوان اصلی‌ترین و جدی‌ترین رقیب نظام لیبرالیستی غرب مطرح است و ایران اسلامی، برای مبارزه با تمدن غربی، انقلاب اسلامی مبتنی بر خداگرایی و ثنوری ولایت فقیه را معرفی کرده است. در این میان تبیین آرای مقام معظم رهبری به مثابه الگویی پیشرو در این زمینه از اهمیت شایانی برخوردار است؛ چه اینکه نقش برجسته ایشان در توسعه و موفقیت نهضت از روزهای آغازین انقلاب تاکنون بر کسی پوشیده نیست و از آنجا که بدون شک حضور موفق در عرصه سیاسی و هدایت یک انقلاب نوپا در راه کمال و ترقی همه جانبه با وجود دشمنان گوناگون داخلی و خارجی، بر اساس یک مدل نظری و عملی قوی و منسجم ممکن است، به این ترتیب، بررسی تطبیقی آرای رهبر انقلاب که تا حد زیادی نشانگر مبنای انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی ایشان است، می‌تواند در این زمینه گره‌گشا باشد.

## هدف و پرسش تحقیق

پرسش پژوهش از این قرار است که با عنایت به جایگاه والای سیاست‌ها و اولویت‌های دینی در فهم صحیح آموزه‌های دین و نیز نقش بی‌بدیل مقاصد شریعت در تعیین خطوط کلان و راهبردی مدیریت جامعه دینی و ارائه الگو به مدیران جامعه، این سیاست‌ها و مقاصد کلان دینی در سیره امام هشتم (علیه السلام) و نیز سیره فکری و عملی مقام معظم رهبری به عنوان رهبر تنها جامعه‌ای که موفق به تشکیل حکومت اسلامی شده است، از چه جایگاهی برخوردارند.

در پاسخ به پرسش مزبور هدفی که نوشتار حاضر دنبال می‌کند این است که با تحلیل و تبیین کلمات و سخنان گهربار حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و نیز تبیین آرای مقام معظم رهبری، در این زمینه بتواند الگویی مناسب ارائه داده و در اتخاذ تصمیمات صحیح و استوار توسط مدیران اجرایی کشور مبنای عمل قرار گیرد.

## پیشینه پژوهش

در باب پیشینه پژوهش حاضر نیز باید گفت تا آنجا که نگارندگان در پایگاه‌های علمی معتبر جستجو نموده‌اند، هیچ کتاب یا مقاله‌ای که همپوشانی با موضوع جستار فرارو داشته باشد، مشاهده نمی‌شود؛ البته پنهان نیست که در باب عنوان کلی مقاصد شریعت و پیشینه آن در فقه شیعه و اهل سنت و نیز امکان کاربست آن در ابواب مختلف و موضوعات و معضلات متنوع و مستحدث فقهی، پژوهش‌های متعددی انجام شده که ذکر تفصیلی آنها از هدف و رسالت مقاله حاضر خارج است؛<sup>۱</sup> لکن وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر مقالات موجود این است که تاکنون هیچ پژوهشی حول آرای فقیه متفکر و برجسته‌ای که بالفعل اداره جامعه را در دست گرفته و از این حیث تبیین آرای وی اهمیت شایانی دارد، سامان نیافته است. همچنان که بررسی میراث مکتوب به جا مانده از حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) که در زمان حیات مبارک خود از فرصت ولیعهدی به نحو احسن استفاده کرده و فرهنگ تشیع را رواج دادند نیز در هیچ اثری مشاهده نمی‌شود.

با تأکید بر گفتن رضوی و منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای  
«تحلیل مصادیق سیاست‌های کلی دینی (نظریه مقاصد الشریعه)»

۱. از باب نمونه ن.ک: علیدوست، ابوالقاسم، فقه و مقاصد شریعت، فقه اهل بیت، شماره ۴۱، بهار ۱۳۸۴؛ شوشتری، مهدی، سازوکارهای کشف مقاصد شریعت، پژوهش‌های فقهی، دوره دوازدهم، بهار ۱۳۹۵؛ نقیبی، سیدابوالقاسم، مقاصد شریعت و جایگاه آن در استنباط حکم شرعی، پژوهشهای فقهی، دوره سیزدهم، تابستان ۱۳۹۶؛ وکیل زاده، رحیم، مقاصد شریعت از دیدگاه شیخ محمد جواد مغنیه، پژوهشهای فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۸؛ صابری، حسین، از مناسبت تا مذاق فقه، مطالعات اسلامی، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۸۵.

## مفاهیم پژوهش

### الف: مقاصد شریعت

واژه مقاصد جمع مقصد بوده و از «قصد» اخذ شده است و به تصریح اهل لغت قصد در معنای طلب و جستجو کردن چیزی است: «قَصَدْتُ: الشَّيْءَ... مِنْ بَابِ ضَرْبِ طَلَبْتُهُ» (فیومی، بی تا: ۲، ۵۰۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۵، ۱۹۰؛ طریحی، ۱۴۱۶: ۳، ۱۲۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳، ۳۵۳). شریعت نیز در معنای دین و آیین و پیمودن مسیر درست و آشکار (نهج الطریق الواضح) است که در بحث حاضر مراد دین اسلام و آموزه‌های آن است: «الشَّرِيعَةُ وَ الشَّرَائِعُ: مَا شَرَعَ اللَّهُ لِّلْعِبَادِ مِنْ أَمْرِ الدِّينِ» (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰: ۱، ۲۵۳؛ جوهری، ۱۴۱۰: ۳، ۱۲۳۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۵۰؛ ابن اثیر، بی تا: ۲، ۴۶۰).

این دو واژه وقتی به صورت ترکیبی به کار می‌روند در معنای غایات و اغراضی اند که احکام شریعت با هدف تحقق آنها وضع و جعل گشته است (ابن عاشور، ۱۴۲۱: ۱۳)؛ بنا بر این، مقاصد شریعت، تجسم مراد و هدف خداوند از تکالیفی است که متوجه بندگان خود کرده است؛ از این رو این مقاصد به مثابه میوه درخت شریعتند (مرادی، ۱۳۸۵: ۵). از نگاه برخی از اندیشوران مقاصد یا مصالح ضروری در احکام شرعی به پنج دسته تقسیم می‌شوند: نفس، دین، عقل، نسل (نسب) و مال (شهید اول، بی تا: ۱، ۳۸؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ۱، ۱۵؛ غزالی، ۱۴۱۳: ۱، ۲۸۳؛ شاطبی، ۱۴۲۲: ۲، ۲۵)؛ اما از آنجا که روش و طریقه عقلا این است که مال و حتی نفس را در جهت محافظت از عرض و آبرو به کار می‌برند؛ برخی دیگر از اندیشوران مصلحت پاسداشت عرض و آبرو را نیز به مقاصد ضروری دین افزوده‌اند (ریسونی، ۱۳۷۶: ۸۳؛ جزیری، ۱۴۱۹: ۵، ۶۶۴).

شریعت اسلام در کلیت خود مقاصدی دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت شریعت در تمامیت، اصل و اساس خود، برای تحقق فلان هدف یا اهداف نازل شده است و خداوند از وضع شرایع و فرو فرستادن کتاب‌ها و ارسال پیامبران، فلان هدف را قصد کرده است. این جا سخن از مقاصد کلی و اساسی و عام شریعت اسلام است که وارث همه شریعت‌های الهی است.

## ب: علت انتخاب مقاصد پنج‌گانه

در باب دلیل و چرایی انتخاب مقاصد پنج‌گانه و موضوع‌های مورد بحث، باید گفت مطابق نظر اندیشوران امامی و عامی، مصالح یا مقاصد ضروری که از طریق استقرار شریعت به دست آمده است، پنج قسم است: حفظ دین، حفظ نفس، حفظ عقل، حفظ نسل و حفظ مال. از باب نمونه علامه مجلسی در این زمینه می‌نویسد: «مقاصد خمسه یکی دین است و یکی نفس و یکی مال و یکی نسب و یکی عقل که حفظ آن هر پنج در همه شریعت‌ها و ملت‌های پیغمبران بوده است. اما حفظ دین به عبادات است که در شریعت بیان شده؛ و حفظ نفس به قصاص است که در شرع آمده؛ و حفظ نسب به نکاح است و توابع آن و اجرای حدود و از جمله حدود حد زناست؛ و حفظ مال به عقود شرعیه و حرام بودن غصب و دزدی در مال مردم؛ و حفظ عقل به حرام کردن خمر و باقی مسکرات و اجرای حد و تعزیر بر شاربان آنها» (مجلسی، ۱۴۰۰: ۲۰۰). شهید اول، دیگر فقیه نامبردار امامی مذهب است که از مقاصد پنج‌گانه فوق نام می‌برد (شهید اول، ۱۴۱۱: ۱، ۳۸). از نگاه برخی از اندیشوران دیگر مذاهب اسلامی نیز مقاصد یا مصالح ضروری در احکام شرعی به پنج دسته تقسیم می‌شوند: «المحافظة علی مقصود الشرع من الخلق خمسة: أن يحفظ علیهم دینهم و نفسهم و عقلهم و نسلهم و مالهم؛ فکل ما يتضمن حفظ هذه الأصول الخمسة فهو مصلحة؛ و کل ما يفوت هذه الأصول فهو مفسدة و دفعها مصلحة» (غزالی، ۱۴۲۲: ۱۷۴)؛ بنا بر این، در این نوشتار نیز مطابق نظر این اندیشوران، مقاصد شریعت در ذیل این پنج عنوان مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.<sup>۱</sup>

۱. بدون تردید معتبرترین منبع برای تبیین مقاصد شریعت، قرآن کریم، احادیث معتبر و عقل است و اگر برخی عالمان شیعه و اهل سنت در این خصوص نظراتی دارند، در واقع بیان درک عقل و تفسیر و ترجمه آیات و احادیث وارد شده در این زمینه است؛ بنا بر این، در تفسیر مقاصد شریعت باید به این سه منبع و اصل معتبر مراجعه نمود. همچنین در کشف و تفسیر مقاصد شریعت نباید از این نکته غافل ماند که این مقاصد در راستای رسیدن به هدف خلقت است؛ زیرا پیگیری دو هدف متفاوت در تکوین و تشریح، با حکمت خداوند سازگار نیست و از آنجا که قرآن، حدیث و عقل، آشکارا معرفت خداوند و پرستش آگاهانه او را هدف خلقت تمام موجوداتی که برایشان پیامبر و کتاب آسمانی فرستاده شده می‌دانند طبیعتاً در تشریح نیز همین هدف مد نظر بوده است. نصوص و متون معتبر دینی و عقل سلیم، بر هدفمند بودن شریعت اسلام دلالت دارند. قرآن کریم در آیات بسیاری نه تنها برای کلیت ارسال رسل و انزال کتب، نتایج و اهدافی را برمی‌شمارد؛ بلکه گاهی برای احکام جزئی و خرد نیز غرض یا اغراض خاصی را بیان می‌نماید. احادیث فراوانی نیز بر این اصل تأکید دارند.

همچنین باید اذعان داشت هرچند در خود عنوان «مقاصد شریعت» و به عبارتی در چیستی و حجیت آن در فقه امامیه سخن بسیار است؛ لکن پیش فرض نوشتار حاضر این است که در پرتو کشف و استخراج و عنایت به مقاصد شریعت می‌توان حکم بسیاری از مسائل فقهی را به دست آورد و به عنوان یک میزان، احکام شرعی موجود در شریعت را بدان عرضه نموده و حجیت آنها را با محک مقاصد شریعت مورد ارزیابی قرار داد؛ همچنان‌که بسیاری فقیهان امامی نیز هر چند عین این اصطلاح را به کار نبرده‌اند؛ اما بسیاری از ایشان بدین مفهوم توجه داشته و در استنباط احکام آن را به کار می‌گرفته‌اند (ر.ک: شوشتری، ۱۳۹۴: ۱۱۴-۹۹؛ وکیل زاده، ۱۳۸۸: ۱۵۶-۱۳۹).

## روش پژوهش

تحقیق حاضر مانند اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در حیطه علوم انسانی از نوع توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و میراث روایی و منابع مکتوب فقهی سامان یافته است که همراه با شناسایی منابع و مآخذ لازم، مطالعه و بررسی آنها، تطبیق و فیش-برداری، طبقه بندی و مرتب شده و به نگارش در می‌آید. تحقیق توصیفی-تحلیلی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آنها توصیف و تحلیل شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. شایان ذکر است که اجرای تحقیق توصیفی-تحلیلی می‌تواند منجر به شناخت دقیق مسئله پژوهش و یاری رساندن به فرآیند تصمیم‌گیری باشد. همچنین از آنجا که در تحقیقات اسلامی، پردازش اطلاعات جمع آوری شده، از مهمترین و اساسی‌ترین بخش‌های پژوهش به شمار می‌آید؛ پژوهش فرارو سعی کرده است ضمن مطالعه دقیق منابع و جامعه آماری مورد

---

نگارش و تدوین کتاب‌هایی چون علل الشرائع، اثبات العلل، مقاصد الشریعة و ... حاصل این تأکید و ابرام است. همچنین متونی که از گذشتگان به ما رسیده، هدفدار بودن شریعت را می‌فهماند. شعار تبعیت احکام از مصالح و مفاسد، لزوم مصلحت در تشریح و الواجبات الشرعیة أُلطف فی الواجبات العقلیة» و تعبیری مانند این، از شعرهای شناخته شده‌ای است که به صورت مکرر در این متون به چشم می‌خورد. برخی، هدفدار بودن شریعت الهی را به همه فرقه‌ها و مذاهب از امت بزرگ اسلام- حتی اشاعره که افعال خداوند را معلل به غرض و تابع هدف نمی‌دانند- نسبت داده‌اند (ر.ک: علیدوست، ۱۳۸۴: ۱۱۷).



مطالعه، مواضع بحث را به دقت مشخص و شناسایی کرده و به تفکیک هر یک از مقاصد بحث را، به صورت منظم و هدفمند ارائه کند. در ضمن از آنجا که مطالعه حاضر از نوع تطبیقی است سعی خواهد شد تا ضمن تحلیل و تبیین کلمات نورانی حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و جلوه‌های این تفکر در آرای مقام معظم رهبری، تفسیر و فهم دقیقی از مسئله ارائه شود.

چارچوب و شاکله پژوهش نیز از این قرار است که پس از تبیین و معناشناسی واژگان اساسی و کلیدی بحث یعنی مقاصد شریعت، ابتدا موضع کلی شریعت مقدس اسلام به عنوان طرح بحث در هر مقصد بیان شده، سپس میراث مکتوب به جا مانده از امام هشتم (علیه السلام)، از دل کتب معتبر روایی و دیگر آثاری که به نوعی متکفل بیان کلمات و سیره نورانی حضرتند استخراج شده، مورد مطالعه و دسته‌بندی و ارزیابی دقیق قرار گرفته و هر جا ضرورت اقتضا داشته است توضیحاتی نیز در تحلیل بیانات حضرت (علیه السلام) داده شده است. در ضمن از آنجا که مقاصد شریعت با دانش فقه و به تبع آن تعیین سیاست‌های کلی مدیریت جامعه رابطه‌ای تام دارد، در خلال هر بحث آرای فقیهان امامی نیز به اختصار تمام بیان شده است. همچنین در انتهای هر مقصد آرا و بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز با مراجعه دقیق به سخنرانی‌ها و بیانیه‌های ایشان از ابتدای زمامداری معظم‌له استخراج و بررسی و موارد مربوط به سیاست‌های کلی دینی عرضه شده است تا به مثابه الگویی فراروی جامعه و در خدمت سیاست‌های آن قرار گیرد.

با تأکید بر گفت‌وگو رضوی و منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای  
«تحلیل مصادیق سیاست‌های کلی دینی (نظریه مقاصد الشریعه)»

## یافته‌های تحقیق

از آنجا که سؤال پژوهش حول تبیین سیاست‌های کلی دینی در کلمات امام هشتم (علیه السلام) و نیز آرای مقام معظم رهبری سامان یافته است، در این قسمت به این پرسش در حول چندمحور و مطابق تقسیم‌بندی رایج پنج‌گانه و نیز مصلحت حفظ عرض و آبرو از جهت اهمیت آن پاسخ خواهیم داد.

### ۱- مصلحت حفظ نسل و نسب

یکی از نخستین اولویت‌های دینی در این زمینه ضرورت حفظ و نسل و نسب است. بی‌تردید بقای نسل و نوع انسانی در آموزه‌های اسلام از جایگاه رفیعی برخوردار است و قوانینی که شرع در این زمینه وضع نموده در ضمن مباحثی که به مناکحات مشهور است قابل مطالعه و بررسی می‌باشد؛ زیرا طریق صحیح حفظ نسل بشر نکاح است. حفظ نسل مطلوب شارع و عقلاست و از آنجایی که ازدواج و تکثیر موالید، دو عامل اصلی راه حقیقی استمرار نسل بشر می‌باشند اگر روزی به عللی خوف انقراض نسل انسان باشد، نکاح واجب می‌شود؛ اگر چه در حال عادی مستحب است و نیز در جایی که موازنه جمعیت به ضرر اسلام و به نفع کفار است، نکاح و ازدیاد نسل واجب است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۱، ۸).

خداوند متعال در قرآن کریم یکی از اهداف خلقت زنانی از جنسیت خود مردان را ازدیاد تعداد افراد بیان نموده است (شوری: ۱۱)؛ او (خداوند) آفریننده آسمان‌ها و زمین است؛ و از جنس شما همسرانی برای شما قرار داد و جفت‌هایی از چهارپایان آفرید؛ و شما را به این وسیله (به وسیله همسران) زیاد می‌کند. همچنین از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «تَنَّاكِحُوا تَنَّاكِحُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ أَلُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (احسائی، ۱۴۰۵: ۱، ۲۵۹)؛ ازدواج کنید تا نسل شما زیاد شود، من به جهت کثرت شما در روز جزا بر سایر امتها افتخار می‌کنم.

حفظ نسب نیز از مواردی است که در دین اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که بسیاری از احکام از جمله تبعیت فرزند از پدر و مادر در کفر و اسلام، ممنوعیت ازدواج با محارم، جواز ربا بین پدر و فرزند، قصاص نشدن پدر در قتل فرزند، مقبول نبودن شهادت پسر

علیه پدر، میراث، ولایت، وجوب دیه قتل خطایی بر عهده عاقله و ... متوقف بر معلوم بودن نسب اشخاص است؛ بنا بر این، حفظ انساب به عنوان یکی از اهداف مهم شریعت، از علل اصلی وضع برخی احکام از قبیل تحریم زنا محسوب می‌شود.

حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در ضمن بیانی نورانی به این حقیقت اشاره داشته و در باب علت تحریم زنا چنین می‌فرماید: «حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى الزَّنا لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ مِنْ قَتْلِ الْأَنْفُسِ وَ ذَهَابِ الْأَنْسَابِ وَ تَرْكِ التَّرْبِيَةِ لِلْأَطْفَالِ وَ فَسَادِ الْمَوَارِيثِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنْ وَجُوهِ الْفَسَادِ» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳، ۵۶۵؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۰، ۳۱۱)؛ زنا از آن جهت حرام شده است که پیامدهای فسادانگیزی از قبیل قتل نفس‌ها، از بین بردن نسب انسان‌ها، ترک تربیت اطفال و برهم خوردن موارث و مفساد دیگری بر آن مترتب است. طبق این روایت، علت حرمت زنا، جلوگیری از مفسادی همچون قتل نفس و از بین رفتن نسب اشخاص است. روایت مزبور مبنای استدلال بسیاری از فقیهان قرار گرفته است؛ از باب نمونه یکی از فقهای معاصر با به کار بردن تعبیر «إرهاب مدنی»، آن را به اموری که باعث می‌شود زندگی مدنی انسان‌ها با مخاطره و تهدید مواجه شود تعریف کرده و با استناد به روایت امام رضا (علیه السلام) یکی از مواردی را که منجر به ارهاب مدنی شده و نسل انسان‌ها را تهدید می‌کند، عمل زنا معرفی نموده است (حسینی شیرازی، ۱۴۲۶: ۱۳۵).

پاره‌ای دیگر از فقیهان معاصر در ضمن کتاب الحدود و بحث از جرایم جنسی از روایت پیش‌گفته استفاده نموده‌اند (موسوی اربیلی، ۱۴۲۷: ۱، ۱۱۹). برخی دیگر نیز در ضمن بحث از مشروعیت «تلقیح مصنوعی» به میزان دلالت روایت مذکور بر حرمت این عمل پرداخته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۱۲۷).

همچنین حضرت (علیه السلام) در مکاتبه با محمد بن سنان در پاسخ به یکی از پرسش‌های وی مجدداً به اهمیت نسل و نسب در آموزه‌های شریعت تأکید می‌فرماید: «... وَ أَلْعَلَّةَ فِي شَهَادَةِ أَرْبَعَةٍ فِي الزَّنا وَ اثْنَيْنِ فِي سَائِرِ الْحُقُوقِ لِشِدَّةِ حَدِّ الْمُحْصَنِ لِأَنَّ فِيهِ الْقَتْلَ فَجَعَلَتْ الشَّهَادَةَ فِيهِ مُضَاعَفَةً مُعَظَّمَةً لِمَا فِيهِ مِنْ قَتْلِ نَفْسِهِ وَ ذَهَابِ نَسَبِ وُلْدِهِ وَ لِفَسَادِ الْمِيرَاثِ» (صدوق، ۱۳۷۸: ۲، ۹۶)؛ علت اینکه در باب زنا چهار شاهد و در سایر حقوق دو شاهد معین گشته است، بدین جهت است که حد محصن شدید است؛ زیرا مجازات وی قتل است؛ بنا بر

این، شهادت را در آن مضاعف و سخت گرفته است؛ زیرا در این عمل، کشتن زناکار و از بین رفتن نسب فرزند وی و ضایع شدن میراث وجود دارد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در بیانات خود به موضوع حفظ نسل عنایت داشته‌اند؛ ایشان ضمن ذکر فواید ازدواج بیان داشته‌اند: «بنای نسل بشر به ازدواج است.» (خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۰۱/۲۶) همچنین در مواضع متعددی به مسئله‌ی تکثیر موالید، که نقش مستقیمی در بقاء نسل بشر دارد، اشاره نموده‌اند؛ ایشان در مورد ضرورت تکثیر موالید گفته‌اند: «این حدیثی که من خواندم از قول پیغمبر اکرم که «تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا تَكْثُرُوا»، خدای متعال از مسلمان‌ها خواسته که زیاد بشوند، افزایش پیدا کنند. واقعاً هم این جور است که اگر چنانچه عدد ملت مسلمان -حالا در یک کشور اسلامی مثل کشور ایران یا در فضای اسلامی مثل امت اسلامی- زیاد باشد، این زمینه و امکان برای رشد و تعالی در آنها وجود دارد؛ یعنی وقتی که عدّه زیاد است، افراد صالح در آن قهراً زیادترند، توانایی‌ها قهراً بیشتر است، نیروی انسانی قهراً راقی‌تر است؛ این چون طبیعی است اگر چنانچه جمعیت زیاد باشد. جمعیت کم، مقهور واقع می‌شود. امروز در دنیا آن کشورهایی که جمعیت‌های زیادی دارند، به برکت آن به خیلی امکانات دست یافته‌اند؛ چین یک نمونه است، هند یک نمونه است؛ با اینکه مشکلاتی هم دارند؛ اما در عین حال خود این جمعیت زیاد به عنوان یک ارزش اجتماعی، ارزش سیاسی، یک ارزش بین‌المللی برای آنها توانسته موقّیت‌هایی را به وجود بیاورد؛ بنا بر این، نسل باید افزایش پیدا کند؛ اینکه من تکرار می‌کنم، تأکید می‌کنم، به خاطر این است.» (بیانات در دیدار جمعی از زوج‌های جوان، ۱۳۹۸/۰۵/۱۳)

## ۲- مصلحت حفظ عقل

جایگاه عالی عقل، در احادیث مکتب شیعه نیز به خوبی دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که کتاب شریف کافی که از معتبرترین جوامع روایی محسوب می‌شود با بحث عقل و جهل شروع می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۱۶)؛ بنا بر این، جایگاه عقل در مکتب اسلام و خصوصاً تشیع جایگاهی بسیار عالی و رفیع است.

عقل در تعالیم رضوی نیز از جایگاه والایی برخوردار است. کلینی به سند خود از امام رضا (علیه السلام) نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «خداوند پس از خلقت عقل به او گفت: به

پیش‌آی؛ پس عقل تمکین نمود؛ سپس خطاب به او فرمود: برگرد؛ و عقل اطاعت نمود؛ آنگاه خداوند فرمود: به عزت و جلالم سوگند چیزی بهتر و محبوب‌تر از تو خلق نکردم و به وسیله تو انسان‌ها را مؤاخذه کرده و به کیفر می‌رسانم (در صورتی که برخلاف حکم تو عمل کرده باشند)؛ و نیز به وسیله تو بندگان را پاداش می‌دهم (در صورتی که بر طبق حکم و تشخیص تو رفتار نموده باشند) (کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۲۸).

در آموزه‌های رضوی فردی که تعقل می‌ورزد، روابط خود با پروردگار، نظام خلقت و آدمیان را به درستی تعریف می‌کند و کسی که از عقل خویش بهره نمی‌برد، در تنظیم روابط خود با خدا، هستی و خلق با مشکل مواجه می‌شود؛ چه اینکه حضرت می‌فرماید: «صَدِيقٌ كُلُّ امْرِئٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوٌّ جَهْلُهُ» (برقی، ۱۳۷۱: ۱، ۱۹۴).

تأمل در مناظرات حضرت (علیه السلام) نیز بیانگر جایگاه والای عقل در نزد ایشان است؛ حضرت در مناظرات خویش با افرادی که پیرو اندیشه‌های غیرتوحیدی بودند، رویکردی عقل-گرایانه داشته و از استدلال‌های عقلی بهره می‌جستند؛ زیرا معتقد بودند: «... الْإِمَامُ يُحِلُّ حَلَالَ اللَّهِ وَ يُحَرِّمُ حَرَامَ اللَّهِ... وَ يَدْعُو إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحُكْمِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ» (صدوق، ۱۳۷۸: ۱، ۲۱۸)؛ امام حلال خدا را حلال می‌دارد و حرام خدا را حرام می‌دارد ... و با حکمت و موعظه نیکو و استدلال به راه پروردگارش دعوت می‌کند.

در دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی، اسلام با سه‌گانه‌ی «عدالت»، «عقلانیت» و «معنویت» معنا می‌شود. از نظر ایشان، این سه از یکدیگر غیرقابل انفکاک بوده و با هم محقق می‌شوند؛ این توضیح که عقلانیت، از پایه‌های اصلی جامعه‌ی اسلامی و در عرض ایمان، مجاهدت و عزت است و در فرآیند جامعه‌سازی اسلامی، معنویت روح کار، عقلانیت مهمترین ابزار کار و عدالت جهت‌دهنده و ارزشگذار کارها در نظام اسلامی است. همچنین در ارکان تفکر و تمدن اسلامی، عقلانیت در کنار نوگرایی و سماحت اسلامی قرار می‌گیرد. (نگاهی گذرا به «عقلانیت انقلابی» در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۰۳/۱۷)

آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار خود با جمعی از مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی با اشاره به کلامی از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که برانگیختن خردهای دفن‌شده را یکی از اهداف اصلی بعثت انبیا بیان می‌کنند، به اهمیت مسئله‌ی خرد و فکر در جامعه‌ی

اسلامی پرداختند و فرمودند: «اگر جامعه‌ی اسلامی به همین یک دستور عمل کند، یعنی نیروی فکر را، به کارگیری اندیشه و خرد را در میان خود یک امر رایج و عمومی قرار بدهد، عمده‌ی مشکلات ... جامعه‌ی اسلامی حل خواهد شد.» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۳/۰۳/۰۶).

با توجه به جایگاه ویژه‌ی تعقل و تفکر در شریعت مقدس اسلام، حفظ عقل از مهمترین اهداف شریعت است؛ بنا بر این، در راستای حفظ عقل، علاوه بر تلاش در جهت پرورش قوه‌ی تعقل و خردورزی باید از اموری که عقل را به فساد می‌کشاند و موجب اختلال در کارکرد آن می‌شود و مانع تفکر و تعقل صحیح می‌شود پرهیز نمود.

در اسلام هرآنچه عقل را زایل می‌کند مورد نهی واقع شده است که از آن جمله می‌توان به حرمت شرب خمر اشاره کرد. حضرت رضا (علیه السلام) به این موضوع اشاره داشته و در فلسفه‌ی تحریم خمر فرموده است: «حَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ لِمَا فِيهَا مِنَ الْفُسَادِ وَمِنْ تَغْيِيرِ عُقُولِ شَارِبِيهَا، وَ حَمَلِهَا إِيَّاهُمْ عَلَى أَنْكَارِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْفِرْيَةِ عَلَيْهِ وَ عَلَى رُسُلِهِ وَ سَائِرِ مَا يَكُونُ مِنْهُمْ مِنَ الْفُسَادِ وَ الْقَتْلِ وَ الْقَذْفِ وَ الزَّنَا...» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲، ۹۸)؛ خداوند شراب را حرام فرمود؛ زیرا شراب تباهی می‌آورد، عقل شرابخواران را دگرگون می‌کند و آنان را به انکار خدای عز و جل و دروغ و تهمت بستن به او و پیامبرانش وا می‌دارد و دیگر اعمالی چون تبهکاری و قتل و قذف و زنا که از شرابخواران سر می‌زند.

در فرمایشات رهبر معظم انقلاب نیز، توصیه‌هایی در راستای حفظ عقل و بکارگرفتن آن در مسیر صحیح وارد شده است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. آموزش تفکر و تعقل و استقلال رأی به کودکان در راستای جلوگیری از تأثیر توطئه‌ها و گمراهی‌های فکری و عقیدتی؛ ایشان در این زمینه بیان داشته‌اند: «توسعه فرهنگی و سیاسی این است که انسانها در جامعه احساس کنند که می‌توانند درست بیندیشند، درست بفهمند و درست فرا بگیرند. اگر کشوری بتواند خود را به این‌جا برساند، توطئه‌ها و گمراه‌گری‌ها در آن اثر نمی‌کند. این چیز خوبی است؛ اما این با جنجال و غوغا و های و هوی و روزنامه بازی و امثال اینها درست نمی‌شود؛ به‌دست معلم درست می‌شود. توسعه سیاسی و توسعه فرهنگی را معلم پایه‌گذاری می‌کند. شما هستید که در داخل

مدارس خودتان، این کودک را از هفت سالگی تحویل می‌گیرید و در هجده، نوزده سالگی تحویل دانشگاه می‌دهید. اساسی‌ترین و مهمترین دوران عمر این کودک، با شما معلمان است. باید کشور و جامعه روی این مسئله حساب کنند. معلم، یعنی آن کسی که می‌تواند خصوصیات اخلاقی خوب را در بچه پرورش دهد؛ معلومات خوب را به کودک بیاموزد؛ فکر کردن را به کودک بیاموزد؛ استقلال رأی را به کودک بیاموزد (۱۳۷۸/۰۲/۱۵).

۲. تقویت مبانی فکری جامعه با آموزش فلسفه به کودکان: در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری آموزش فلسفه به کودکان امری ضروری است؛ ایشان با اعتقاد به اینکه «فلسفه شکل دادن فکر است، یاد دادن فهم کردن است، ذهن را به فهمیدن و تفکر کردن عادت دادن است» (۱۳۹۱/۰۷/۲۰)، در مواضع متعددی بر لزوم تدریس فلسفه در مدارس تأکید داشته‌اند؛ از جمله بیاناتی که در این زمینه داشته‌اند این است که: «یکی از رشته‌های تألیف و کار فلسفی، نوشتن فلسفه برای کودکان است. کتاب‌های فلسفی متعددی برای کودکان نوشته‌اند و ذهن آنان را از اول با مبانی فلسفی‌ای که امروز مورد پسند لیبرال دمکراسی است، آشنا می‌کنند. یقیناً در نظام شوروی سابق و دیگر نظام‌های مارکسیستی اگر دستگاه فلسفه برای کودکان و جوانان بود، چیزی بود که مثلاً به فلسفه‌ی علمی «مارکس» منتهی شود. ما از این کار غفلت داریم. من به دوستانی که در بنیاد ملاحظه‌ها مشغول کارند، سفارش کردم، گفتم بنشینید برای جوانان و کودکان کتاب بنویسید. این کاری است که قم می‌تواند بر آن همت بگمارد؛ بنا بر این، از جمله کارهای بسیار لازم، بسط فلسفه است؛ البته با مبانی مستحکم و ادبیات خوب و جذاب (۱۳۸۲/۱۰/۱۹).

۳. ضرورت فکرمحور بودن نظام آموزشی به جای حافظه‌محور بودن: از جمله بیانات ایشان در این زمینه این است که: «شیوه‌ی سازماندهی آموزش پرورش هم از لحاظ قالب، هم از لحاظ محتوا یک شیوه‌ی تقلیدی محض است. این درست نیست. ما باید نگاه کنیم ببینیم چه لازم داریم، این شیوه‌ای که هست، کجایش معیوب است. این شیوه عیوبی دارد که یکی از عیب‌هایش همین حافظه‌محوری است به جای فکرمحوری. آموزش و

پرورش ما حافظه‌محور است. بچه‌ها باید همین‌طور دائم محفوظات درست کنند»  
(۱۳۸۷/۰۲/۱۲).

### ۳- مصلحت حفظ نفس

در باورهای اسلامی حیات آدمی از چنان اهمیتی برخوردار است که هرگاه ترک حرام یا فعل واجبی با آن تزامم پیدا کند برای حفظ حیات، ارتکاب حرام و ترک واجب مشروعیت می‌یابد؛ مانند مشروعیت خوردن یا نوشیدن آنچه در شرع حرام است در حال اضطرار؛ و ترک حج در صورت بیم بر جان خود یا نفس محترمی دیگر (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ۳، ۳۸۸).

در آموزه‌های رضوی نیز بر اهمیت حفظ نفس تأکید فراوان رفته است. حضرت رضا (علیه السلام) در باب فلسفه تحریم و تحلیل مأكولات و مشروبات چنین می‌فرماید: «أن الله تبارک و تعالی لم یبیح أكلا و لا شربا إلا لما فيه المنفعة و الصلاح و لم یحرم إلا ما فيه الضرر و التلف و الفساد فکل نافع مقو للجسم فيه قوة للبدن فحلال و کل مضر یذهب بالقوة أو قاتل فحرام» (منسوب به امام رضا، ۱۴۰۶: ۲۵۴؛ محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۶، ۱۶۵)؛ خداوند متعال هیچ خوردنی و نوشیدنی را حلال نکرده است؛ مگر اینکه در آن منفعت و سودی بوده است؛ و هیچ چیزی را حرام نکرده است؛ مگر اینکه در آن ضرر و تلف و فساد بوده است؛ پس هر چیز سودمند و نافع که نیروبخش بدن است حلال شده و هر چیز مضر که قوای جسمانی را از بین برده و یا منجر به قتل شخص شود حرام است.

حضرت (علیه السلام) در جایی دیگر برای حفظ سلامت نفس چنین توصیه می‌نماید: «وَ انظُرْ... مَا یُؤَافِقُ مَعِدَّتَكَ وَ یَقْوَى عَلَیْهِ بَدْنَكَ وَ یَسْتَمِرُّهُ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ فَقَدَرَهُ لِنَفْسِكَ وَ اجْعَلْهُ غِذَاكَ» (علی بن موسی (علیه السلام)، ۱۴۰۲: ۱۴)؛ بنگر چه چیزی با طبع و معده تو سازگارتر است و بدنت بدان نیرو می‌گیرد و آن را خوش و گوارا می‌شناسد، چنین طعامی را برگزین و غذای خود قرار بده.

همچنین حضرت در ضمن بیان فلسفه پاره‌ای از احکام شرعی، یکی از حکمت‌های تحریم میگساری و شرابخواری را در شریعت اسلام چنین بیان می‌نماید که ممکن است شخص شرابخوار بر اثر مستی و عدم تعادل روانی مرتکب قتل انسانی گردد که خداوند جان وی را دارای احترام و ارزش دانسته است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حَرَّمَ الْخَمْرَ لِمَا فِيهَا مِنَ الْفُسَادِ... وَ



إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا سَكِرَ قَرِيبًا وَقَعَ عَلَىٰ أُمَّهِ أَوْ قَتَلَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ...» (مجلسی، ۱۴۱۰: ۷۶، ۱۴۳)؛ همانا خداوند خمر را به موجب مفاسدی که در آن هست حرام نموده است ... چه بسا مردی که مست می‌کند بر مادر خودش تجاوز کند یا مرتکب نفس محترمه‌ای شود.

در روایت دیگری شهادت دادن به نفع مؤمنی با نیت جلوگیری از ریختن خون وی و حفظ جان او، از نظر حضرت رضا (علیه السلام) از جمله اموری تلقی شده است که شخص شهادت دهنده را در زمره صالحان و صادقان قرار خواهد داد (علی بن موسی (علیه السلام)، ۱۴۰۶: ۳۰۷).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در برهه‌های گوناگون به لزوم حفظ سلامت اشاره داشته‌اند. ایشان در زمان شیوع جهانی ویروس کرونا ضمن تأکید بر رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی و توصیه پزشکان فرمودند: «یقیناً هر چیزی که کمک کند به سلامت جامعه و عدم شیوع این بیماری، یک حسنه است؛ در نقطه‌ی مقابل هر چیزی که کمک کند به شیوع این بیماری، یک سیئه است. خدای متعال ما را موظف کرده که نسبت به سلامت خودمان و سلامت دیگران، سلامت مردم، احساس مسئولیت کنیم» (۱۳۹۸/۱۲/۱۳).

اهمیت سلامت مردم جامعه در نگاه رهبر انقلاب به اندازه‌ای است که ایشان مسئله‌ی سلامت را جزو مسائل درجه یک هر کشوری می‌دانند (۱۱/۱۰/۱۳۹۱). ایشان مسئله ورزش عمومی و همگانی را بخشی از مسئله تأمین سلامت ذکر کرده‌اند که نشاط، سلامت، آمادگی و حوصله‌ی کار، در سایه‌ی آن برای جامعه تأمین می‌شود و از همین رو خواستار توجه ویژه به آن در برنامه‌ریزی‌های گوناگون اجرایی توسط دستگاه‌های مختلف شده‌اند (۱۳۸۹/۰۱/۰۱). و همچنین ضمن اشاره به مواردی از قبیل عدم تحرک، غذاهای نامناسب و غذاهای تقلیدی که در بعضی از فروشگاه‌ها در اختیار مردم گذاشته می‌شود، به عنوان عوامل ضعف جسمانی اشخاص، توجه به ورزش همگانی را امری ضروری دانسته‌اند (۱۳۹۳/۱۱/۰۱).

یکی دیگر از جلوه‌های هدف حفظ نفس در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، تأکید ایشان بر «تحقق رویکرد سلامت همه جانبه و انسان سالم در تمام قوانین و مقررات و سیاست‌های اجرایی با رعایت اولویت پیشگیری بر درمان، روزآمد نمودن برنامه‌های بهداشتی و درمانی، کاهش مخاطرات و آلودگی‌های تهدید کننده سلامت مبتنی بر شواهد معتبر علمی، تهیه

پیوست سلامت برای طرح‌های کلان توسعه‌ای، ارتقاء شاخص‌های سلامت برای دستیابی به جایگاه اول در منطقه آسیای جنوب غربی، اصلاح و تکمیل نظام‌های پایش، نظارت و ارزیابی برای صیانت قانونمند از حقوق مردم و بیماران و اجرای صحیح سیاست‌های کلی» است (۱۳۹۳/۰۱/۱۸).

#### ۴- مصلحت حفظ مال

دین مقدس اسلام مالکیت را محترم دانسته است؛ زیرا انسان به حسب فطرت، مالکیت را معتقد است؛ حتی انسان‌های نیمه‌وحشی بلکه وحشی نیز مالکیت را محترم می‌دانند و برخلاف ادعای طرفداران مکتب اشتراکی، انسان بالفطره هرچه را به دست آورد مال خود می‌داند؛ بلکه حیوانات هم همین معنا را مطابق غریزه خود دارند و شکار خویش را به دیگری نمی‌دهند؛ ولی حیوان چون غالباً خوی ذخیره کردن ندارد؛ بنا بر این، پس از سیر شدن بقیه را ترک می‌کند، بچه‌های شیرخوار نیز همین غریزه را در تملک پستان مادر و منع بچه‌های دیگر دارند (میانجی، ۱۴۲۴: ۲۳).

مالکیت در سیره رضوی نیز به رسمیت شناخته شده و حضرت رضا (علیه السلام) در این زمینه سخنان گهرباری بیان نموده‌اند. ایشان در جایی می‌فرمایند: «مَنْ شَهِدَ عَلَيَّ مُؤْمِنٍ بِمَا يَثْلِمُهُ أَوْ يَثْلِمُ مَالَهُ أَوْ مَرُوءَتَهُ سَمَاءَ اللَّهِ كَاذِبًا...؛ وَ إِنْ شَهِدَ لَهُ بِمَا يُحْيِي مَالَهُ... سَمَاءَ اللَّهِ صَادِقًا» (علی بن موسی (علیه السلام)، ۱۴۰۶: ۳۰۷؛ بروجردی، ۱۴۲۹: ۳۰، ۳۶۰)؛ اگر شخصی بر علیه مؤمنی شهادت دهد که موجب ورود زیان به وی یا به مال و اعتبار وی شود، خداوند نام او را در زمره کاذبان خواهد نوشت؛ همچنین اگر به نفع وی شهادت داده و منجر به حفظ و احیای مال او شود، خداوند نام وی را در زمره صادقان خواهد نگاشت.

همچنین حضرت (علیه السلام) یکی از وجوه تشریح حرمت سرقت را چنین بیان می‌کنند که سرقت موجب از بین رفتن حق مالکیت گشته و مالکیت خصوصی افراد نسبت به اموالشان را با خطر مواجه می‌سازد: «وَ حُرْمَةُ السَّرِقَةِ لِمَا فِيهِ مِنْ فَسَادِ الْأَمْوَالِ وَ قَتْلِ الْأَنْفُسِ لَوْ كَانَتْ مُبَاحَةً وَ لِمَا يَأْتِي فِي التَّغَاصِبِ مِنَ الْقَتْلِ وَ التَّنَازُعِ وَ التَّحَاسُدِ وَ مَا يَدْعُو إِلَى تَرْكِ التَّجَارَاتِ وَ الصَّنَاعَاتِ فِي الْمَكَاسِبِ وَ اقْتِنَاءِ الْأَمْوَالِ إِذَا كَانَ الشَّيْءُ الْمُقْتَنَى لَا يَكُونُ أَحَدًا أَحَقَّ بِهِ مِنْ أَحَدٍ» (صدوق، ۱۳۷۸: ۲، ۹۷)؛ حرمت سرقت از آن جهت است که سبب تباهی اموال

و کشتن انسانها می‌شود و غضب و تصرف غیرقانونی موجب قتل و آدمکشی و درگیری و حسد خواهد شد. همچنین سرقت موجب خواهد شد مردم دست از کار و صنعت و حرفه بردارند و به نگهداری اموال و پس‌انداز نپردازند؛ هنگامی که ببینند کسی نسبت به اموال یاد شده حق اولویت ندارد.

حق مالکیت در آموزه‌های رضوی تا بدانجا اهمیت دارد که انسان در دفاع از این حق، می‌تواند تا مرز شهادت پیش برود و اگر در راه حفظ مال خویش کشته شود، شهید به حساب می‌آید؛ یعنی کارگر یا کشاورز یا کاسبی که برای جلوگیری از تجاوز به مال خود کشته شود، شهید محسوب می‌شود: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ» (صدوق، ۱۳۷۸: ۲، ۱۲۴؛ عطاردی قوچانی، ۱۴۱۳: ۲، ۴۹۹).

آیت‌الله خامنه‌ای به مسئله اسراف و تضييع مال عنایت بسیار داشته و در برهه‌های گوناگون با بیان جنبه‌های متعدد آن بر ضرورت اصلاح الگوی مصرف جامعه تأکید نموده و مردم را به مبتنی ساختن شیوه‌ی زندگی بر صرفه‌جویی سفارش کرده‌اند (۱۳۷۲/۰۱/۰۴، پیام نوروزی سال ۱۳۷۴ و ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷، ۱۳۷۷/۱۰/۰۴، ۱۳۷۹/۰۹/۲۵، ۱۳۸۶/۰۷/۲۱، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱). مقام معظم رهبری با بکار بردن اصطلاح انضباط اقتصادی و مالی، به مسئله مقابله با ریخت و پاش، زیاده روی و اسراف، زیاده روی در خرج کردن و زیاده روی در مصرف کردن اشاره داشته و بیان داشته است که: «موارد مزبور اوصاف خوبی نیست، نه اسمش جود و سخاست و نه کرم و بزرگ منشی است، فقط اسمش بی انضباطی اقتصادی و مالی است» (پیام نوروزی سال ۱۳۷۴). ایشان صرفه‌جویی را به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن و اسراف در اموال و اقتصاد را به معنای مصرف کردن مال بدون اینکه این مصرف اثر و کارایی داشته باشد، دانسته است (۱۳۸۸/۰۱/۰۱).

در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای ضرورت صرفه‌جویی، موضوعی شرعی و عقلی بوده (پیام نوروزی سال ۱۳۷۶) و اتلاف منابع عمومی، اتلاف منابع حیاتی، اتلاف برق، اتلاف وسایل سوخت، اتلاف مواد غذایی، اسراف در آب و اسراف در نان و ... از جمله منکرات دینی، اقتصادی و اجتماعی‌اند که باید مورد نهی واقع شوند (۱۳۷۹/۰۹/۲۵) ایشان موارد متعددی از

جمله مختل نمودن زندگی اشخاص از لحاظ روانی و هدر رفتن امکانات زندگی و اقتصادی (پیام نوروزی سال ۱۳۷۴)، اشرافی‌گری، تقسیم نابرابر ثروت و تزییع اموال عمومی و نعمت الهی (۱۳۷۶/۰۱/۰۱) را بعنوان نتایج اسراف و تزییع بیهوده اموال ذکر کرده‌اند.

## ۵- مصلحت حفظ دین

در سیره رضوی نیز بر ضرورت و لزوم حفظ دین تأکید فراوان شده است؛ از جمله مطابق روایتی که عالم جلیل‌القدر فضل‌بن‌شاذان از حضرت نقل نموده است، یکی از علل نصب امام و پیشوا برای جامعه، برپایی تعالیم دین و جلوگیری از نابودی و زوال شریعت برشمرده شده است (صدوق، ۱۳۷۸: ۲، ۱۰۱)؛ از جمله فلسفه‌های جعل امام برای مردمان این است که اگر خداوند برای ایشان امامی قرار ندهد که سرپرست و امین و حافظ دین و نگهدارنده احکام آن باشد، شریعت تباه و دین زائل شده و احکام و آداب دین دچار تغییر و تحریف می‌شوند، مبتدعان بر دین اموری را از جانب خود می‌افزایند و ملحدان از آن کاسته و برای اهل ایمان ایجاد شبهه و تشویش می‌نمایند؛ چه اینکه ما با مردمی مواجه‌ایم که کامل نبوده و به راهبر و هدایت‌کننده محتاجند و نیز به این جهت که ایشان از جهت فکری اختلاف‌نظر داشته و هوی و هوس ایشان نیز مختلف بوده و بر گونه‌های مختلف هستند؛ بنا بر این، اگر خداوند برای ایشان سرپرستی قرار ندهد که حافظ دین رسول اکرم (ص) باشند؛ دچار فساد شده و شریعت و احکام و آداب و ایمان از بین می‌رود و در چنین وضعیتی جملگی خلق به فساد کشیده خواهند شد.

در این زمینه می‌توان سیره عملی حضرت (علیه السلام) را نیز مدنظر قرار داد؛ چه اینکه یکی از حکمت‌های پذیرش ولایت‌عهدی علیرغم امتناع و مخالفت اولیه حضرت (علیه السلام)، حفظ دین بوده است؛ زیرا امام تمام سختی‌ها را به جان می‌خرد تا دین را احیا نماید و دغدغه اصلی امام رضا (علیه السلام) نیز احیای امر امامت و دین در جامعه بوده است. در روزگاری که تفکرات و فلسفه‌های الحادی و ضد دینی رواج کامل داشت، این اقدام امام سبب گردید شیعیان از انحراف مصون مانده و به انحراف کشیده نشوند و از این طریق احیای دین صورت بگیرد.

برگزاری جلسات مناظره حضرت با دانشمندان و دگراندیشان زمانه خویش نیز می‌تواند از

این رهگذر تبیین و تحلیل شود؛ زیرا این مناظرات نقش بارزی در نشر فرهنگ اسلامی و حفظ و استحکام ریشه‌های دین در جامعه آن روز ایفا می‌نمود. ایجاد فضای مناسب علمی به منظور طرح اندیشه‌های مختلف و مخالف، یکی از موارد عمده تأثیرگذاری بر نگرش صحیح مسلمانان به عقاید حقه دینی است که از سوی امام (علیه السلام) انجام می‌پذیرفت؛ زیرا چنانکه اشاره شد جامعه اسلامی در معرض انواع اندیشه‌های گوناگون بود. در این وضعیت اگر بطلان این اندیشه‌ها محرز نمی‌شد، میزان تأثیرپذیری از آنها بالا می‌گرفت؛ بنا بر این، شرایط حساس آن برهه چنین اقتضا می‌کرد که فضای مناسب برای طرح اندیشه‌های مخالف ایجاد شود و نقد و بررسی آنها صورت گیرد و همین عملکرد بر نگرش مسلمانان در قوت آموزه‌های دینی و نیز پذیرش حقانیت دین توسط اشخاصی که در طرف دیگر یا شاهد مناظره بودند به شدت تأثیرگذار بود.

مقام معظم رهبری در مراسم بزرگداشت «نخستین دهه‌ی انقلاب اسلامی» سال ۶۷، ضمن ارائه‌ی توضیحاتی پیرامون اوضاع و احوال پیش از انقلاب اسلامی و اینکه از قرن نوزدهم، هم‌زمان با توسعه استعمار در سراسر جهان، مقابله با دین و تحقیر دین رواج پیدا کرد، به بیاناتی در خصوص طرح استعمار در جوامع اسلامی برای اسلام‌زدایی و استراتژی غرب در مقابله با اسلام بوسیله‌ی عناصری از قبیل تزریق فساد در جوامع اسلامی، تزریق فرهنگ برهنگی و فرهنگ امتزاج و بی‌قید و شرط زن و مرد و به‌خصوص کشاندن زنان و در درجه‌ی بعد مردان به مصرف‌گرایی و آمیزش آزاد و حیوان‌گونه‌ی مرد و زن با هم؛ و همچنین تزریق غرب‌زدگی در منطقه‌ی اسلامی پرداخته و با اشاره به تزریق تفکر التقاطی در کشورهای اسلامی بیان داشتند که: «من وقتی به این عوامل و صد و پنجاه سال اخیر نگاه می‌کنم، می‌بینم خود این عوامل، به تنهایی برای اینکه با گذشت زمان به تدریج اسلام را از صحنه‌ی عمل و سپس عقیده و بالاخره عاطفه خارج کنند کافی بودند. از صحنه‌ی عمل که خارج شد، به کلی به احوال شخصی و مسائل مربوط به فرد مخصوص شد. به تدریج این‌هم از او گرفته شد و به عبادات مخصوص شد. به تدریج عبادات هم در اثر فساد گوناگون اخلاقی، از دست و بال مردم خارج شد، به طوری که جوان‌ها در دوره‌ی قبل، یعنی دوره‌ی قبل از انقلاب اسلامی، غالباً نماز نمی‌خواندند و یک جوان نمازخوان، یک پدیده‌ی جالب توجه بود و بقیه‌ی

عبادات و اعمال هم به طریق اولی به تدریج از صحنه‌ی زندگی مردم خارج و مخصوص یک عده‌ی معدودی شده بود. یک رابطه‌ی عاطفی باقی بود، آن را هم با شیوه‌های مختلف از بین می‌بردند؛ با زشت جلوه دادن چهره‌های مذهبی یا چهره‌ی مبلغان مذهبی، که این کار را بیشتر چپ‌ها و دشمنان الحادی اسلام انجام می‌دادند. شاید چندان زمانی نمی‌گذشت که به کلی حتی رشته‌ی عاطفی هم بین اسلام و بین مسلمین بریده می‌شد؛ نه فقط در ایران، بلکه در کل جهان اسلام» ایشان در پایان از انقلاب بعنوان عاملی که تمام رشته‌های دوپست ساله‌ی استکبار علیه اسلام را پنبه کرد، یاد کرده و بیان داشتند که: «انقلاب اسلامی یک ضرورت بود برای اسلام، یک نیاز بود برای مسلمین، سنت الهی بود برای حفظ دین و حفظ احکام الهی.» (مراسم بزرگداشت «نخستین دهه‌ی انقلاب اسلامی» در ۱۳۶۷/۱۱/۱۲) از دیدگاه ایشان حاکمیت اسلام و قرآن در زندگی بشر یکی از مهمترین آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی است (شفیعی، ۱۳۸۵).

#### ۶- مصلحت حفظ عرض و آبرو

در ابتدای نوشتار گفته شد که به نظر می‌رسد بتوان در کنار مقاصد دیگری که در شریعت بدان‌ها توجه شده است، مصلحت حفاظت و پاسداشت از أعراض و آبروی انسان‌ها را نیز به عنوان یکی از اهداف و مقاصد شریعت گنجاند. برخی از فقیهان تصریح کرده‌اند که عرض و آبرو در نزد مردمان دارای مناعت طبع و بزرگ‌منش، بدون شک از اهمیت بیشتری حتی نسبت به جان برخوردار است: «و لاریب فی أهمیة العرض من النفس عند ذوی النفوس الأبیة» (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱، ۶۵۵).

توجه به حفظ کرامت و آبروی انسان‌ها در سیره رضوی نیز از جایگاه ممتازی برخوردار است. حضرت رضا (علیه السلام) در روایتی می‌فرمایند: «أفضل المال ما وقی به العرض» (عطاردی قوچانی، ۱۴۱۳: ۱، ۳۰۲)؛ بهترین نوع مال آن است که در راستای حفظ آبروی وی مصرف شود.

در روایتی دیگر از ایشان منقول است: «مَنْ كَفَّ عَنْ أَعْرَاضِ الْمُسْلِمِينَ أَقَالَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، ۱۴۰۶: ۸۵)؛ هر کس از ریختن آبرو و حیثیت مسلمانان خودداری نماید، پروردگار متعال لغزش‌های وی در روز

قیامت را مورد گذشت قرار خواهد داد.

پاسداشت کرامت انسان در سیره رضوی تا به میزانی است که کلینی در کافی به سند خویش از فردی که در سفر حضرت (علیه السلام) از مدینه به خطه خراسان ملازم ایشان بودند گزارش نموده است که در اثنای سفر روزی در میانه راه حضرت سفره غذا را پهن کرده و تمام خادمان و کنیزان و غلامان خویش را بر سر سفره فراخواندند. راوی گوید به حضرت عرض نمودم: فدایتان گردم، آیا مناسب‌تر نبود که برای ایشان سفره‌ای جداگانه انداخته شود؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَاحِدٌ وَ الْأُمُّ وَاحِدَةٌ وَ الْأَبَ وَاحِدٌ وَ الْجَزَاءُ بِالْأَعْمَالِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸، ۲۳۰)؛ خدایمان یکی است، مادر و پدرمان نیز یکی است و پاداش به اعمال است.

نگاه رهبری به حوزه کرامت اشخاص و عرض و آبروی آن‌ها را می‌توان نگاهی دانست که بارها در بیانات و استفتائات ایشان در حوزه‌های متعدد منعکس شده است؛ برخی استفتائات ایشان در زمینه حریم خصوصی افراد می‌تواند گویای حساسیت‌های رهبری در این مورد باشد؛ چنانکه حضرت آیت الله خامنه‌ای در زمینه تجسس، به عنوان یکی از عوامل مهم هتک آبروی اشخاص می‌فرمایند: «تجسس در کار دیگران و یا تحقیق دراعمال و رفتار کارمندان برای کشف اسرار آنان در خارج از حدود و ضوابط قانونی برای آن مأموران هم جایز نیست.» (اجوبه الاستفتائات، سؤال ۱۳۹۳) رهبری همچنین تصریح می‌کنند که: «کشف و بیان امور خصوصی و شخصی در برابر دیگران اگر به نحوی مربوط به افراد دیگر هم باشد و یا موجب ترتب مفسده شود جایز نیست.» (پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری).

ایشان حتی در عرصه‌های حساسی همچون مبارزه با معضلات اساسی کشور، حفظ آبروی افراد را اصلی انکارناپذیر خوانده و در خطبه‌های نماز عید فطر سال ۱۳۸۰ به قوه قضاییه و مجریه و مطبوعات توصیه کردند مراقب باشند در مبارزه با فساد ضمن حفظ آبروی افراد به کسی ظلم نشود.

جلوه‌ی دیگری از نگاه ایشان را می‌توان در این بیانات ایشان یافت که پس از اشاره به

موضوع رسانه‌ای کردن اتهامات افزودند: متهم شدن به معنای مجرم بودن نیست؛ بنا بر این، هیچ‌کس در قوه قضاییه و در خارج از این قوه و در رسانه‌ها حق ندارد تا زمانی که جرمی ثابت نشده، آن را رسانه‌ای کند. ایشان با انتقاد از برخی فشارها به قوه قضاییه برای افشاگری، خاطرنشان کردند: هیچ لزومی به افشاگری وجود ندارد و هیچ‌کس حق ریختن آبروی یک مسلمان را ندارد. ایشان با تأکید بر اینکه در شرع فقط در مواردی خیلی خاص، اجازه انتشار مجازات یا علنی شدن مشخصات شخص مجازات شونده داده شده است، افزودند: حتی در مواردی که جرم در دادگاه نیز اثبات می‌شود، نباید نام فرد مجرم علنی و رسانه‌ای شود؛ زیرا خانواده وی تحت فشار قرار می‌گیرند و دچار مشکل می‌شوند (۱۳۹۰/۰۴/۰۶).

رهبری همچنین در دیدار هفتم تیرماه سال ۹۱ با رییس و مسئولان دستگاه قضا حفظ آبروی افراد را یکی از مسائل بسیار حساس و مهم برشمردند و خاطرنشان کردند «بخش قابل توجهی از این موضوع (تعرض به آبروی افراد)، متأسفانه به فضا سازی‌ها و شایعه‌سازی‌های برخی مطبوعات و پایگاه‌های رایانه‌ای مربوط می‌شود؛ اما قوه قضاییه نباید به هیچ وجه تحت تأثیر این جو سازی‌ها قرار گیرد.»



## نتیجه‌گیری

مطابق آنچه گذشت مقاصد شریعت به غایات و اغراضی اطلاق می‌شود که احکام شرع در جهت نیل به آنها تشریح گشته‌اند. احاطه به مقاصد شرع، فقیه را در مرحله استنباط حکم مدد رسانده و موجب می‌گردد وی در هنگام استخراج احکام جزئی، مصالح و اهداف کلی را مدنظر قرار داده و خویشتن را ملزم به رعایت کلیات شریعت بداند.

نظر به اهمیت مقاصد شرع و نیز با عنایت به اینکه مهمترین منبع برای تشریح مقاصد شریعت در فقه امامیه، روایات و اخبار وارده از اهل‌بیت (علیهم‌السلام) است، این پژوهش با جستجو در خلال کلمات گهربار علی‌بن‌موسی‌الرضا (علیه‌السلام) در جستجوی جلوه‌های مقاصد شریعت در بیانات نورانی ایشان برآمد و اغراض پنج‌گانه حفظ نسل، مال، عقل، دین و نفس را از میان سخنان حضرت استخراج نمود تا به عنوان الگویی مدنظر فقه‌پژوهان و علاقه‌مندان به تعالیم اهل‌بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) قرار گیرد. بررسی کلمات حضرت (علیه‌السلام) نشان می‌دهد با توجه به مقام عصمت خدادادی حضرت رضا (علیه‌السلام)، در تعالیم و آموزه‌های فرهنگ رضوی، توجه و عنایت به مقاصد شریعت بسیار پررنگ و جلوه‌گر است؛ به‌طوری که برای هریک از مقاصد تعریف شده، شواهد گوناگونی از میراث روایی ایشان قابل ارائه و استخراج است؛ همچنین اهتمام به اهداف و غایات دین در سیره عملی و زندگی سراسر نورانیت و برکت ایشان نیز به خوبی قابل دسترسی و پیگیری است که پژوهش حاضر با جستجو در آثاری که به‌طور اختصاصی به بیان کلمات و حالات حضرت (علیه‌السلام) پرداخته‌اند؛ مانند «عیون أخبار الرضا» و «مسند الإمام الرضا» و نیز سایر کتب معتبر روایی امامیه گوشه‌ای از این شواهد و مصادیق را مورد شناسایی و استخراج قرار داد.

همچنین با توجه به اینکه در عصر حاضر و در غیبت معصومین (علیهم‌السلام)، اندیشه و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، تأثیر بسزایی در استنباط‌های شرعی داشته و می‌توان آن را رهنمون بسیاری از مسائل و موضوعات کنونی دانست، در پژوهش حاضر به ذکر جلوه‌های مقاصد شریعت در سخنان ایشان در برهه‌ها و زمینه‌های مختلف پرداخته شد. با امعان نظر در بیانات ایشان می‌توان دریافت که در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، مقاصد شریعت از جایگاه

ویژه‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای هریک از مقاصد مزبور در دفعات متعدد در توصیه‌ها، سخنرانی‌ها و استفتائات ایشان نمود پیدا کرده و در مسائل و حوزه‌های گوناگون مورد عنایت ایشان واقع شده است.

## فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن اثیر، مبارک بن محمد، (بی تا)، *النهاية*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا*، تهران.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر.
- ابن عاشور، محمدطاهر، (۱۴۲۱ق)، *مقاصد الشریعة الإسلامیة*، اردن، دارالنفائس.
- احسائی، محمد بن علی، (۱۴۰۵ق)، *عوالی اللثالی العزیزیه*، قم، دار سیدالشهداء للنشر.
- امامی، سید حسن، (بی تا)، *حقوق مدنی*، تهران، انتشارات اسلامیة.
- برقی، ابوجعفر، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، قم، دار الکتب الإسلامیة.
- بروجردی، آقا حسین طباطبایی، (۱۴۲۹ق)، *جامع أحادیث الشیعة*، تهران، فرهنگ سبز.
- تبریزی، جعفر سبحانی، (۱۴۱۵ق)، *الرسائل الأربعة*، قم، مؤسسه امام صادق.
- جزیری، عبدالرحمن، (۱۴۱۹ق)، *الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت*، بیروت، دارالثقلین.
- جعفری، محمدتقی، (۱۴۱۹ق)، *رسائل فقهی*، تهران، مؤسسه منشورات کرامت.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ق)، *الصحاح*، بیروت.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد راغب، (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، لبنان، دار العلم.
- ریسونی، احمد، (۱۳۷۶)، *اهداف دین از دیدگاه شاطبی*، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- زبیدی، سیدمحمد مرتضی حسینی، (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر.
- شاطبی، ابراهیم بن موسی، (۱۴۲۲ق)، *الموافقات فی أصول الشریعة*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

شفیعی، احمد، (۱۳۸۵)، «انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی»، مجله حصون، شماره ۷، بهار.

- شهید اول، محمد بن مکی، (بی تا)، *القواعد و الفوائد*، قم، کتابفروشی مفید.
- شیرازی، سید محمد حسینی، (۱۴۲۶ق)، *الفقه، السلم و السلام*، بیروت، دار العلوم.
- شیرازی، ناصر مکارم، (۱۴۲۴ق)، *کتاب النکاح*، قم، انتشارات مدرسه امام علی.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۸۶ق)، *علل الشرائع*، قم، کتابفروشی داوری.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تهران، جهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، احمد بن علی، (۱۳۶۱)، *الإحتجاج، مشهد مقدس*، نشر المرتضی.
- طریحی، فخرالدین، (۱۴۱۶ق)، *مجمع البحرین*، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- عراقی، آقا ضیاء الدین، علی کزازی، (۱۴۱۸ق)، *قاعده لاضرر*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- عطاردی قوچانی، عزیزالله، (۱۴۱۳ق)، *مسند الإمام الرضا*، بیروت، دارالصفوة.
- علی بن موسی (علیه السلام)، (۱۴۰۲ق)، *الرسالة الذهبیة المعروفة بطب الإمام الرضا (علیه السلام)*، قم، دار الخیام.
- علی بن موسی (علیه السلام)، (۱۴۰۶ق)، *صحیفه الإمام الرضا*، مشهد مقدس، کنگره جهانی حضرت رضا.
- غزالی، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، *المستصفی فی علم الأصول*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، (۱۴۰۴ق)، *التنقیح الرائع*، قم، کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت.
- فیومی، احمد بن محمد، (بی تا)، *المصباح المنیر*، قم، منشورات دارالرضی.
- کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۱۰ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الطبع و النشر.
- مرادی، مجید، (۱۳۸۵)، «جغرافیای مقاصد شریعت»، *پگاه حوزه*، شماره ۲۰۰، دی.

مطهری، شهید مرتضی، (بی تا)، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، قم.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۸ق)، حیل‌های شرعی، قم، انتشارات مدرسه الإمام علی.

منتظری، حسینعلی، (۱۴۰۹ق)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، قم، کیهان، قم.

منتظری، حسینعلی، (۱۴۲۷ق)، معارف و احکام بانوان، قم، انتشارات مبارک.

منسوب به امام رضا، علی بن موسی، (۱۴۰۶ق)، فقه الرضا، مشهد مقدس، مؤسسه آل البيت.

موسوی اردبیلی، عبدالکریم، (۱۴۲۷ق)، فقه الحدود و التعزیرات، قم، مؤسسه النشر لجامعه المفید.

میانجی، علی احمدی، (۱۴۲۴ق)، مالکیت خصوصی در اسلام، تهران، نشر دادگستر.

نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت.

هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران، (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه، مؤسسه دائره المعارف.

یزدی، سید محمدکاظم بن عبدالعظیم، (۱۴۰۹ق)، العروة الوثقی، بیروت، مؤسسه الأعلمی.